



۲۰۱۴/۰۸/۲۵



جلیل غنی

## زندانیان آزاد شده رهبران جنگ های جدید

شدت حملات و دوام جنگ های طالبان در فصل بهاری جنگ های امسال در چندین سال گذشته، بنا بر اظهارات مسؤولان امور امنیتی، سابقه نداشته است. از زمان سقوط نظام طالبی در ۲۰۰۱ میلادی تا کنون همه ساله این گروه تروریستی به حمایت پشتیبان های منطقوی و بین المللی مخصوصاً همسایگان افغانستان، ایران و پاکستان، از آغاز بهار حملات خود را شروع می کند و تا پایان تابستان ادامه می یابد. در چند سال اخیر مخصوصاً از سال ۲۰۰۹ به این طرف که توجه جامعه جهانی بار دیگر به افغانستان بیشتر شد و تصمیم گرفته شد که این گروه دهشت افکن و بی رحم را به هر نحوی که هست شکست دهند و جلو انتشار حملات دهشت افکنانه آنرا چه در افغانستان و منطقه و چه در جهان توسط پیشوای آن، سازمان دهشت افکن القاعده بگیرند، تا حدودی این حملات به عملیات انتحاری و جنگ و گریز تنزیل نمود و دیگر توان حملات جبهه ای را نداشت. با کشته شدن پیشوای بزرگ دهشت افکنان و رهبر القاعده، "اسامه بن لادن" در دوم می سال ۲۰۱۱ در ابد آباد پاکستان در یک عملیات قوای خاص ایالات متحده، روحیه پیروان این سازمان تروریستی و سایر سازمان های وابسته به آن ضعیف گردید و در کاهش عملیات چنین سازمان هایی در سراسر جهان اثر گذاشت چنانچه در افغانستان نیز گروه طالبان ضعیف گردید و به جز حملات بزدلانه انتحاری فعالیت دیگری نداشتند.

علت دیگری که در تضعیف عملیات طالبان اثر گذاشت بی ابرویی پاکستان بود که همیشه از موجودیت "اسامه بن لادن" در خاک آن کشور انکار می کرد و زمانی که وی در جوار پایگاه نظامی عمده پاکستان در ابد آباد کشته شد فشار بین المللی بر پاکستان افزایش یافت که در اثر آن تا حدودی فعالیت های طالبان نیز کمتر شد ولی در پهلوی آن گروه دیگر تروریستی یعنی گروه حقانی را تقویت نمود که آنها یکی دیگر از سازمان های وابسته به القاعده است. تشدید عملیات انتحاری این گروه بر سفارت ایالات متحده در کابل، قونسلگری هند در هرات و سایر عملیات را می توان به حیث مثال از این عملیات نام برد.

آزادی زندانیان طالب از زندان های افغانستان در کمتر از یک سال گذشته چه از طرف حکومت افغانستان و چه از طرف ایالات متحده و یا سایر نیرو های بین المللی در افغانستان جان تازه ای به گروه طالبان بخشید و اکثریت انانی که از این زندان ها آزاد گردیدند به صوف طالبان پیوستند و جنگ های کنونی را رهبری می کنند.

در حدود شش صد زندانی طالب را حکومت افغانستان به نام اینکه دلایل نگهداشت آنها در زندان ها بدون مدرک هستند و شهود جرم غیر قانونی است، آزاد نمود که شکایت و اعتراض جامعه بین المللی مخصوصاً ایالات متحده آمریکا را موجب شد ولی حکومت کابل بدون اعتنی به این شکایات و اعتراضات و حتی خطرناک ترین آنها را که در کشتار نیرو های امنیتی افغان و خارجیان دخیل بودند و شهودی هم وجود داشت آزاد نمود و جزئی ترین توجهی به خون سربازان افغان که برای دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و استقلال افغانستان قربانی دادند این قاتلین را آزاد ساخت.

دیروز ایالات متحده آمریکا ده زندانی پاکستان را که در پایگاه هوایی بگرام نگهداری می شدند به پاکستان تسلیم داد و گفته می شود هنوز هم پانزده پاکستانی دیگر درین زندان علاوه بر یک تعداد زندانیان دیگر از سایر کشورها وجود دارند. حکومت افغانستان بر آزادی این زندانیان و تسلیم دادن آنها به پاکستان اعتراض نمود و آنرا مایه نگرانی خواند و معاون سخنگوی آقای کرزی اظهار داشت که هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها به صفوف طالبان نپیوندند.

از جانب دیگر وزرای دفاع و داخله و همه قوماندان های میدان نبرد در بیست و یک جبهه ای که هم اکنون جنگ در ولایات مختلف افغانستان جریان دارد، از آغاز حملات بهاری طالبان فریاد می زنند که زندانیانی که آزاد شده اند رهبری جنگ های امسال را بدوش دارند ولی کو گوش شنوا و کجاست مرجعی که به انتقاد آنها جواب بدهد.

کمیود وسایط و نبود تجهیزات، یکی دیگر از شکایاتی است که مسؤولین امور امنیتی دارند. فساد در دستگاه حاکمه به شمول شورای عالی صلح یکی دیگر از مشکلاتی است که مدافعین خاک و امنیت به آن موجه هستند چنانچه رئیس آن در قندوز کوشش دارد ملا عبدالسلام یکی از رهبران طالبان را که در حملات تروریستی و جنگ علیه قوای امنیتی آن ولایت دست داشته و آنرا

رهبری می کرد و اکنون در زندان قندوز بسر می برد، آزاد سازد به این دلیل که او سعی داشت به پروسه صلح بپیوندد. روی همین دلیل است که بالاخره قوماندانان ها به عساکر شان هدایت دادند که دیگر رحم نکنند و دشمن را زنده دستگیر نکنند چون می دانند که این قاتلین مردم افغانستان را فردا مراجعی هست که آزاد سازند.

همه این انکشافات و طولانی شدن عملیه انتخابات فرصت را برای دشمنان افغانستان و حامیان منظوقی شان میسر ساخت تا پلان های شوم شان را به مرحله تطبیق قرار دهند.

گاهی این گمانه زنی ها قوت می گیرد که این همه اقدامات روی یک پلان منظم و سنجیده شده، عملی گردیده تا زمینه برای پیشرفت هرچه بیشتر طالب و حامیان آنها میسر ساخته شود. آزادی زندانیان بدون محاکمه و طی شدن مراحل قانونی و عدلی توسط یک کمیسیون بدون صلاحیت قانونی و قضایی، منع استفاده از قوای هوایی نیرو های بین المللی امنیتی در افغانستان در نبود قوای هوایی مؤثر، تعیین فرمان بردارانی در کمیسیون های انتخابات و سمع شکایات برای تمسخر کردن دیموکراسی و مدیریت این پروسه، امضاء نکردن پیمان امنیتی با ایالات متحده با وصف تائید و تصویب نمایندگان ملت در لویه جرگه مشورتی و توصیه و تقاضای مقامات امنیتی برای امضای این پیمان، همه و همه طوری می نماید که بر اساس یک پلان و طرح دقیق به عمل آمده باشد.

### ■ اینکه هدف چنین پلان و طرح چه بوده و چه منفعتی برای چه کسانی از آن متصور است؟

سوالی است که آینده روشن خواهد ساخت و شاید هم روزی مثل سایر حقایق تاریخی که هم اکنون افشاء شده می رود این دوره و جریان هم مورد موشکافی و تحقیق نویسندگان و واقعه نگاران و مورخین قرار گیرد. حافظه ملت ها ضعیف نیست و قضاوت تاریخ هم واقع بینانه و بی طرفانه است.

افغانستان در یک مرحله فوق العاده حساس در تاریخ پر فراز و نشیب خود قرار دارد. در چنین مرحله ای که اختیار تصمیم گیری هم از دست خود افغان ها بیرون است و جریانات اخیر مخصوصاً در رابطه با پروسه انتخابات نشان داد که دیگران سر نوشت این ملت را رقم می زنند نه مردم افغانستان با رفتن به پای صندوق های رأی و گذشتن از انگشتان افتخار آفرین و حتی جان شان، آقای عبدالله عبدالله و آقای اشرف غنی احمد زی دو کاندیدایی که به نام دفاع از حق رأی مردم، روی صلاحیت ها و اقتدار شان در حکومت آینده چانه می زنند و هر روز مصیبت تازه ای بر جریانات سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر پیکر خون آلود این ملت و کشور می افزایند، بهتر است اندکی هم به فکر آینده ملت و کشور باشند.

### ■ رأی ملت که شما ادعا دارید برای احقاق آن مبارزه دارید، اگر اهمیتی میداشت این انتخابات برنده و بازنده ای میداشت!!

در حالیکه به گفته آقای "جان کری"، تصمیم گیرنده سر نوشت انتخابات، این انتخابات برنده و بازنده ندارد و هر دو کاندید برنده هستند. چه بهتر بود که این همه پول و کمک جامعه ملل مصرف نمی شد و مردم هم این همه سرگردانی و بی سرنوشتی را نمی دیدند و از همان روز اول از آقای "جان کری" خواهش می شد تا می آمد و حکومت را تشکیل می داد و از ائتلاف پول، وقت و سر در گمی های بی مورد جلوگیری می کرد و مملکت برای چهار ماه در حالت بی سرنوشتی بسر نمی برد و کسی در رأس قرار می داشت تا می توانست حد اقل در مورد امور امنیتی تصمیم جدی اتخاذ کند و سرنوشت پیمان امنیتی را تعیین نماید تا هم ملت می دانست که چه کند و هم جامعه بین المللی که تمام پلان های امنیتی خود را موقوف به این پیمان نموده و تا پنجم سپتمبر که فقط ده روز دیگر باقی مانده تصمیم نهائی اتخاذ نماید.

ولی اینکه آیا این دو کاندید که ادعای همکاری را در آینده دارند و تعهد کرده اند که مطابق به توافقات حاصله کار خواهند کرد و آنرا رعایت خواهند نمود به این تعهدات پایبند خواهند بود یا نه؟ هنوز هم تازه آغاز کار است چنانچه تا کنون دو بار آقای "بارک اوباما" رئیس جمهور ایالات متحده مجبور شده با آقایان عبدالله و غنی احمدزی تلفونی صحبت کند و از نصایح سودمند خود آنها را مستفید گرداند و آنها را از رفتن افغانستان به یک بحران بر حذر دارد.

یکی از شعرای با درد پس از سفر اول آقای کری به افغانستان و آشتی دادن دو کاندید ریاست جمهوری با تصرفی بر شعر علامه اقبال در فیس بوک خود چنین نوشته بود:

خدا آن ملتی را سروری داد  
که تقدیرش به دست جان کری داد

### پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی